

داستانک

نجار، برادرها و پُل

دو برادر برای سال هادر مزرعه‌ای که از پدر به ارث رسیده بود زندگی می‌کردند. روزی به خاطر یک سوء تفاهم جزئی، با هم جروبخت کردند و پس از چند هفته اختلاف آنها زیاد شد. بالاخره از هم جدا شدند. یک روز صبح زنگ خانه برادر بزرگتر به صدا درآمد. وقتی در باز کرد، مرد نجاری را دید. نجار گفت: «من چند روزی است که دنبال کار می‌گردم، فکر کردم شاید شما کمی خرده‌کاری در خانه و مزرعه داشته باشید، آیا امکان دارد که کمک کنم؟» برادر بزرگتر جواب داد: «بله، اتفاقاً من یک مقدار کار دارم. به آن نهر در وسط مزرعه نگاه کن، آن همسایه در حقیقت برادر کوچکتر من است. او هفته قبل چند نفر استخدام کرد تا وسط مزرعه را کنند و این نهر آب بین مزرعه ما افتاد. او حتماً این کار را به خاطر کینه‌ای که از من به دل دارد، انجام داده است.» سپس به انبار مزرعه اشاره کرد و گفت: «در انبار مقداری الوار دارم، از تو می‌خواهم تا بین مزرعه من و برادرم حصار بکشی تا دیگر او را نبینم.» نجار پذیرفت و شروع کرد به اندازگی ری واره کردن الوار. برادر بزرگتر به نجار گفت: «من برای خرید به شهر می‌روم، آیا وسیله‌ای نیاز داری تا برایت بخرم؟» نجار در حالی که به شدت مشغول کار بود، جواب داد: «نه، چیزی لازم ندارم.» هنگام غروب وقتی کشاورز به مزرعه برگشت، جشمانش از تعجب گرد شد. حصار در کار نبود. نجار به جای حصار یک پل روی نهر ساخته بود. کشاورز می‌خواست به نجار پرخاش کند اما در همین لحظه برادر کوچکتر از راه رسید و با دیدن پل فکر کرد که برادرش سفارش ساختن آن را داده است. به همین خاطر از روی پل عبور کرد. برادر بزرگتر رادر آغوش گرفت و از او برای نکردن نهر معذرت خواست. وقتی برادر بزرگتر برگشت، نجار را دید که جعبه ابزارش را روی دوشش قرار داده و در حال رفتن است. کشاورز بعد از تشکر، از او خواست تا چند روزی مهمان او باشد. نجار گفت: «دوست دارم بمانم ولی پل های زیادی هست که باید آن‌ها را بسازم.»

دلیل کساد بازار مرشد

یکی از فرزندان عارف بزرگ شیخ رجبعلی خیاط نقل می‌کند: روزی مرحوم مرشد چلوبی خدمت جناب شیخ رسید و از کساد بازارش گله کرد و گفت: «دیر زمانی وضع ما خیلی خوب بود. روزی سه چهار دیگ چلو می‌فروختم و مشتری‌ها فراوان بودند، اما یک‌باره اوضاع زیر و رو شد. مشتری‌های یکی یکی پس رفتند، کارها از سکه افتاد و اکنون روزی یک دیگ هم بار نمی‌گذاریم.» شیخ تأملی کرد و گفت: «تقصیر خودت است که مشتری‌ها را رد می‌کنی!» مرشد گفت: «من کسی را رد نکردم، حتی از بچه‌ها هم پذیرایی می‌کنم و نصف کباب به آنها می‌دهم.» شیخ گفت: «آن سید که سه روز غذای نسیه خورد که بود؟ بار آخر او از در مغازه بیرون نکردی؟!» مرشد سراسیمه از نزد شیخ بیرون آمد و شتابان در پی آن سید راه افتاد، او را یافت و پوزش خواست. پس از آن تابلویی بر در مغازه‌اش نصب کرد و روی آن نوشت: «نسیه داده می‌شود، حتی به شما. وجه دستی به اندازه وسع پرداخت می‌شود.»

خدمت نیازمند و بی‌نیاز

برادرها با خود قرار گذاشتند که یکی خدمت خدا کند و دیگری در خدمت مادر پیر و بیمارشان باشد. یکی به عبادتگاه رفت و به راز و نیاز پرداخت و دیگری در خانه ماند و به پرستاری مادر مشغول شد. چندی نگذشت که برادر عابد مشهور عام و خاص شد. او به خود غره گشت که خدمت من ارزشمندتر از خدمت برادرم است، چرا که او در اختیار مخلوق است و من در خدمت خالق. همان شب هاتفی رادر خواب دید که او را چنین مورد خطاب قرار داد: «به حرمت برادرت خداوند تو را بخشید.» برادر گوشه‌نشین اشک به چشمانش آمد و گفت: «من در خدمت خداوند بودم و او در خدمت مادر، چگونه است من را به حرمت او می‌بخشید؟» ندا رسید: «آنچه تو می‌کنی خداوند از آن بی‌نیاز است ولی مادران از آنچه او می‌کند بی‌نیاز نیست.»

تقویم تاریخ

قیام لوتر و برپایی پروتستانسم

۴۹۳ سال پیش، برابر ۱۱ آگوست ۱۵۲۹ میلادی، مارتین لوتر، تاسیس رسمی مذهب پروتستان را با هدف اصلاح دینی اعلام کرد. آغاز قیام این کشیش آلمانی بر علیه کلیسای کاتولیک و استبداد آن، بر سر مسأله آمرزش گناهان از طرف کشیشان و پاپ بود. لوتر نهضت خود را پس از آن آغاز کرد که برخلاف دستورات پاپ، انجیل را به زبان آلمانی ترجمه کرد و در صدد شکستن طلسم تعصبات خشک مذهب کاتولیک برآمد. لفظ پروتستان به معنی معترض است. مومنان به آیین پروتستان عمدتاً در کشورهای شمال اروپا شامل نروژ، فنلاند، سوئد و کشورهای آلمان، انگلستان، فرانسه، سوئیس، مجارستان و بخش‌هایی از آمریکا زندگی می‌کنند.

تشکیل شورای انقلاب در فرانسه

۲۳۰ سال پیش، برابر ۱۱ آگوست ۱۷۹۲ میلادی، انقلابیون فرانسوی پس از اشغال کاخ سلطنتی و زندانی کردن لویی شانزدهم پادشاه فرانسه، یک شورای ۶ نفره برای اداره امور فرانسه به نام «شورای انقلاب فرانسه» تشکیل دادند که در آن ژرژ دانتون و ژان ماری رولن عضویت داشتند. انقلابیون که از ۲۰ ژوئن حاضر به ترک خیابان هائنده بودند کاخ سلطنتی فرانسه را که دو هنگ نظامی از سربازان سوئیسی از آن محافظت می‌کرد تصرف کرده بودند. در حمله انقلابیون به کاخ بیش از یک هزار تن از افراد گارد سوئیسی شاه فرانسه کشته شدند.

استاد مسلم فلسفه و زبان فارسی

۱۰۳ سال پیش، برابر ۲۰ مرداد ۱۲۹۸ خورشیدی، عباس زریاب خوبی، نویسنده و مورخ شهیر ایرانی، در شهر خوی به دنیا آمد. زریاب خوبی از سال ۱۳۴۵ جایگاه استادی تاریخ در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران را بر عهده داشت و پس از ترک دانشگاه، تجربه‌هایی چون عضویت در انجمن فلسفه، عضویت در هیأت امنای بنیاد فرهنگ ایران، عضویت در فرهنگستان تاریخ و عضویت در بنیاد شاهنامه فردوسی را از سر گذراند. «تاریخ ساسانیان»، «اطلس تاریخی ایران»، «سیره رسول الله» و ترجمه‌هایی چون «لذات فلسفه» و «تاریخ فلسفه» از جمله تالیفات این استاد برجسته فلسفه و ادبیات فارسی به‌شمار می‌روند.

تسلیم شدن ژاپن به جناب ژنرال

۷۷ سال پیش، برابر ۱۱ آگوست ۱۹۴۵ میلادی، یک روز پس از اعلام تسلیم ژاپن، ژنرال ۵ ستاره آمریکایی داگلاس مک آرتور، معروف به «فاتح ژاپن»، توسط هری ترومن رئیس جمهوری آمریکا مامور تحویل گرفتن امور ژاپن و امضای قرارداد تسلیم این کشور شد. با وجود این، حملات هوایی آمریکا به خاک ژاپن همچنان به صورت محدود و از باب احتیاط ادامه داشت. در درانی که مردم ژاپن امپراتور این کشور را نماینده خدا بر زمین خوانده و حتی از نگاه مستقیم به امپراتور پرهیز داشتند، این ژنرال آمریکایی با دستاورد کم‌زده با او عکس یادگاری گرفت.

فوکوس



جکسون پولاک در آتلیه شخصی

۶۶ سال پیش، برابر ۱۱ آگوست ۱۹۵۶ میلادی، پل جکسون پولاک، نقاش سرشناس آمریکایی و از پیشگامان جنبش اکسپرسیونیسم آستره (هیجان‌ناهی انتزاعی) بر اثر تصادف رانندگی در ۴۴ سالگی درگذشت. پولاک درس‌های مقدماتی هنر را در کالیفرنیا فراگرفت و طی سال‌های ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۳ در اتحادیه هنرآموزان نیویورک به تحصیل نقاشی و مجسمه‌سازی پرداخت. هنرمندان سبک اکسپرسیونیسم انتزاعی، با تأکید نکردن بر ساختار شکل و فرم، رنگ‌گذاری بر اساس حرکات بدنی و کنش روانی نقاش به‌طور تصادفی، درصدی بین هیجانات و احساسات لحظه‌ای و آثاری خود بودند. این میان پولاک که بیشتر برای سبک منحصر به فرد «نقاشی قطره‌ای» شناخته شده است با استفاده از شیوه‌ای نو معروف به «نقاشی کنشی»، آثاری در هم پیچیده و با طراوت آفرید. سبکی که انقلابی بزرگ برای هنر معاصر تلقی و منجر به توسعه هیجان‌ناهی انتزاعی شد.

معا

داستان اردن و حسین اردنی

این کار او اما بی‌جواب نماند و ۲۰ جولای ۱۹۵۱ میلادی، وقتی مشغول بازدید از مسجد الاقصی در شهر بیت المقدس بود، توسط یک فلسطینی به قتل رسید. بعد از عبدالله اول، فرزند او طلال بن عبدالله بر تخت پادشاهی اردن تکیه زد اما او که فارغ‌التحصیل مدرسه نظامی سلطنتی سندهرست انگلستان بود خیلی زود بانگ ابتلا به روانپریشی خانه نشین شد تا پسرش حسین بن طلال بن عبدالله بن حسین الهاشمی در ۱۷ سالگی با عنوان ملک حسین زمام امور اردن را به دست بگیرد. ملک حسین از ۱۱ آگوست ۱۹۵۲ تا پایان عمر به مدت ۴۷ سال عهده‌دار سلطنت اردن بود. کشتار فلسطینیان در واقعه سپتامبر سیاه، حمایت از صدام در جنگ با ایران و انعقاد پیمان صلح با اسرائیل تنها بخشی از کارنامه سیاسی او را در طول نزدیک به ۵۰ سال حکومت بر اردن تشکیل می‌دهند.

عضوی از خاندان «هاشمی» بود. فرزندان حسین الهاشمی معروف به «شریف حسین» حاکم حجاز، از دید نلندن مناسب‌ترین افراد برای اداره دو کشور نوپای منطقه یعنی عراق اردن به‌شمار می‌آمدند. پس چنین شد که فیصل اول پسر سوم شریف حسین تاج پادشاهی عراق را بر سر گذاشت و عبدالله اول دومین فرزند شریف بر اردن آقایی یافت. عبدالله اول نخستین شاه اردن از همان اوان جوانی با تشکیل یک گروه چریکی، درگیری نظامی با عثمانی‌ها را آغاز کرده بود و به خاطر همین سابقه‌گزینه مطلوب انگلیسی‌ها برای گرفتن عنان اختیار اردن به‌شمار می‌رفت. سال ۱۹۴۸ و در گيرودار فتنه تشکیل اسرائیل، عبدالله اول بسیاری از مناطقی را که جزو خاک فلسطین به‌شمار می‌رفت، بی‌توجه به اعتراض کشورهای چون عربستان، سوریه و مصر ضمیمه خاک اردن کرد.

۷۰ سال پیش، برابر ۱۱ آگوست ۱۹۵۲ میلادی، حسین بن طلال، معروف به «ملک حسین» و «حسین اردنی»، به عنوان سومین شاه اردن بر تخت سلطنت این کشور نشست. جد او عبدالله اول که از ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۱ عنوان نخستین حکمران کشور تازه تاسیس اردن را بر خود داشت، در پی سوء قصد یک ملی‌گرای فلسطینی در سال ۱۹۵۱ میلادی جای خود را به پسرش طلال داد. اما سلطنت طلال نیز یک سال بیشتر به طول نینجامید. او به دلیل بیماری روانی خیلی زود از قدرت کنار رفت و پسرش حسین حکومت اردن را به دست گرفت. اردن یکی از کشورهای است که در پی تجزیه امپراتوری عثمانی و پایان جنگ بین‌الملل اول در سال ۱۹۲۱ میلادی تاسیس شد. این کشور از سال ۱۹۲۲ تحت‌الحمایه بریتانیا قرار گرفت و سال ۱۹۴۶ به استقلال رسید. انتخاب بریتانیا برای اداره این پادشاهی جدید

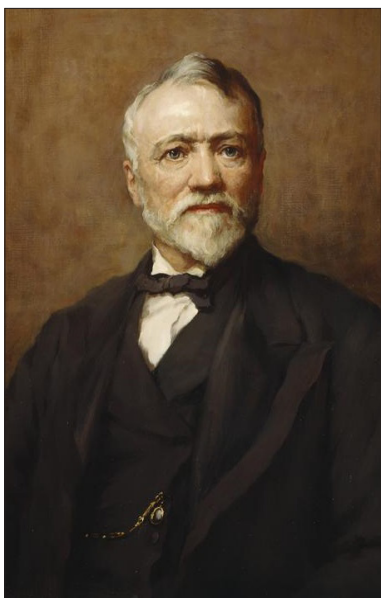


ملک حسین

فرجام

میلیاردر نیکوکار و اسکاتلندی الاصل

«مردی که ثروتمند بمیرد، بی‌آبرو مرده است. اندوخته‌های مالی خود را هرگز به بازماندگان نسپارید، چون بر روی پای خویش نخواهند ایستاد. به هیات و بنیاد نیز وام‌گذارید، چون عاقبت بر خلاف خواسته‌های شما عمل خواهند کرد. ثروت خود را خود وقف کنید، نه به عنوان بخشش و صدقه، بلکه به عنوان هدیه به موسسات عمومی که در جهت خدمت به بشریت می‌کوشند.» ۱۰۳ سال پیش، برابر ۱۱ آگوست ۱۹۱۹ میلادی، اندرو کارنگی، میلیاردر و موسس شرکت فولاد کارنگی در ۸۴ سالگی درگذشت. کارنگی بیشتر ثروت خود را صرف تأسیس موسسات سودمند همگانی مانند کتابخانه، مدارس و دانشگاه کرد. او در طول حیات خود سه هزار کتابخانه عمومی تأسیس و ۳۸۰ میلیون دلار صرف ساخت اماکنی همچون تالار کارنگی و حمایت از برنامه‌های فرهنگی کرد. کارنگی که اصالتی اسکاتلندی داشت بخش اعظم ثروت خود را از راه تجارت فولاد به دست آورده بود. البته او فقط آمریکا را مقصد کارهای عام‌المنفعه خود قرار نداد و در کشورهای مختلفی چون کانادا، انگلستان، نیوزیلند، اسکاتلند و حتی فیجی این فعالیت‌ها را پیگیری می‌کرد. کارنگی همچنین به عنوان مردی ادب دوست، از کمک به شعرا و نویسندگان لذت می‌برد.



شرح بی‌نهایت

گردش ایام

شبی دیدم چومه بر بام او / صراحی پیش و بر کف جام او را / دعایم کردم و می‌نمادش یاد / زمستی بهر من دشنام او را / نخواهد دل به خود دشنام از آن لب / ز لعل او همین بس کام او را / به دل او را که عشقش خانه سازد / کجا ماند دگر آرام او را / کسی کز عارض و زلف تو گوید / همین بس ورد صبح و شام او را / دلم دارد هوای پای بوست / ببین در سر خیال خام او را / چو برگشتی ز خسرو، کرد پامال / جغای گردش ایام او را

امیر خسرو دهلوی

گنج عشق

غرق آب و آب را جویم ما / آبروی ما ز ما جویم ما / صورت و معنی و جام می‌مدام / آنچه جویم از خدا جویم ما / خم می‌در جوش و مامت و خراب / جامی از غیری چرا جویم ما / گنج عشقش در دل و بران ماست / غیر این گنجی کجا جویم ما / از یل چون کار ما بالا گرفت / مبتلایم و بلا جویم ما / چشمه آب حیاتم در نظر / خضر وقت و آشنا جویم ما / نعمت‌الله چون ز ما یابد نوا / کی نواز بینوا جویم ما

شاه نعمت‌الله ولی